

کیهان

تهدید به معنای ترساندن و ایجاد بیم نسبت به چیزی است که فرصت پرهیز و امکان اجتناب از آن وجود داشته باشد. یکی از شیوه‌های اساسی در ساحت جنگ روانی، بهره‌گیری از تهدید و «تخویف» است تا جایی که حتی ابلیس برای مهار و مدیریت دوستان خویش که تحت ولایت او هستند، از شیوه تهدید و تخویف بهره می‌گیرد. خدا بصراحت به مؤمنان هشدار می‌دهد که نسبت به «تهدید» و «تخویف» ششیطان واکنش منفی داشته باشند و به جای آن از خدا بترسند. این در حالی است که منافقان و مانند آنها به سرعت تأثیر می‌پذیرند و حتی تحت تأثیر آن واکنش مثبت نشان داده و در خدمت شیطان در می‌آیند که البته مؤمنان نسبت به واکنش این افراد نباید محزون شوند؛ زیرا این همگرایی با شیطان و دشمن هیچ ضرری به مؤمنان نمی‌رساند.(آل عمران، آیات ۱۷۵ و ۱۷۶)

می‌باشند، خواه مسلمان باشند یا منافق یا توده مردم نادان و سقیه که تابع مستکبران و نیاکان نادان خویش هستند، خدا به مسلمانان و مؤمنان متوسط هشدار می‌دهد که باید خوفشان از خدا و عزت و جلال او باشد و هیچ گاه تحت تأثیر تهدیدهای دشمنان قرار نگیرند؛ زیرا تهدیدهای دشمنان یا بی‌ضر است، یا ضرری کم را موجب می‌شود یا در نهایت ضرر نسبت به دنیای فانی است نه ابدیت انسان؛ در حالی که اگر کسی نسبت به خدا خشیت نداشته باشد و تحت تأثیر تهدیدات شیاطین و دشمنان قرار گیرد، آخرت خویش را از دست می‌دهد که خسران اساسی و یزرگی است.(زمر، آیات ۱۶ و ۱۷ و ۳۶)

تبری جویی از دشمنان

بر اساس تعلیم قرآن، مؤمنان باید نسبت به تهدیدها و تخویف‌های دشمنن، با تکیه بر ایمان و تقوای الهی، بی‌اعتنایی خویشی را مانند پیامبران به نمایش گذارند. (انعام، آیات ۸۰ و ۸۱)

شیوه‌های مقابله با تهدیدات دشمن در قرآن

- علی محسنی

مؤمنان با ذکر الله می‌توانند خود را از تهدیدها و وسوسه‌های شیطانی دشمنان در جنگ نرم روانی رها کنند و به آرامشی برسند که در سایه عنایت و بصیرت برخاسته از ذکر الله به دست می‌آورند.

شکی نیست هر کسی از نظر ایمان به سطوح عالی نزدیک باشند، به همان میزان «شاکله» ایمانی او چنان تثبیت شده که جز از خدا از هیچ کس دیگری ترس و خشیت نخواهد داشت(مائد، آیات ۳ و ۴۴، بقره، آیه ۱۵۰) و با ایمان به خدا استقامت خواهد ورزید.

این گونه است که استقامت در برابر دشمن موجب می‌شود تا جنگ روانی و نرم دشمن هیچ تأثیری نداشته باشد و مؤمنان بر مواضع حق خویش استقامت ورزند و دست از ایمان خود بر نداشته و بر اصول ایمان و اعتقاد و سست‌ها و قوانین الهی حاکم بر هستی تأکید کنند. (اعراف، آیات ۱۲۲ تا ۱۲۶؛ طه، آیات ۷۱ تا ۷۳؛ شعراء، آیات ۴۹ و ۵۱)

یکی دیگر از واکنش‌های مؤثر در برابر تهدیدهای نرم و روانی دشمن که می‌خواهد مؤمنان از مواضع حق خویش عقب نشینی کنند، تبری جویی از دشمن و مواضع باطل اوست؛ زیرا همان گونه که مؤمنان نسبت به حق و سست‌ها و قوانین دین او هستند، همچنین نسبت به دشمن و باطل و هنجارشکنی و فسق و فجور آنان در قبال قوانین حق، تبری می‌جویند و این گونه تنفر خویش را به نمایش می‌گذارند. (شعراء، آیات ۱۶۷ و ۱۶۸)

به سخن دیگر، ابراز و اعلان رسمی با صدای بلند و با رفتار و کردار هویدا در قالب توبی نسبت به حق و هنجارها و ارزش‌ها و تبری نسبت به باطل و ناهنجارها و ضد ارزش‌ها، مهم‌ترین واکنش‌های مؤمنان به تهدیدها و تخویف‌های دشمنان و شیاطین جنی و انسی است. (همان)

به نظر می‌رسد که یکی از واکنش های صحیح نسبت به تهدیدها، توکل بر خدا به عنوان تنها «علت تاه» در هر امری است. از همین رو سخن از «حسی» است که بیابگر علت تاهه و بی‌نیاز نسبت به دیگران است. (آل عمران، آیه ۱۷۳)

پدیده‌هایی مانند خشکسالی، سیل، زلزله و دیگر بلاهای طبیعی، همواره بخشی از تجربه زیست بشر بوده‌اند. علوم طبیعی و اجتماعی برای این حوادث دلایل روشنی همچون تغییرات اقلیمی یا ناسامانی‌های مدیریتی ارائه می‌کنند، اما همه حقیقت در این سطح مادی خلاصه نمی‌شود و برخی مصائب می‌توانند پیامد گناهان فردی یا اجتماعی باشند و به عنوان هشداری جمعی، جامعه را

حتی در برابر بلاهایی که به نظر قطعی و اجتناب‌ناپذیر می‌رسند، رحمت خداوند همچنان گسترده است و راه بازگشت بسته نمی‌شود. توبه و اصلاح، می‌تواند تقدیر ویرانگر را دگرگون سازد. از این رو، رابطه میان گناه و عذاب، رابطه‌ای مستقیم و آتی نیست؛ بلکه عواملی چون توبه و استغفار همچون آبی زلال بر آتش بلایا می‌ریزند و نه تنها مانع نزول عذاب می‌شوند، بلکه درهای برکت و رحمت الهی را نیز به روی بندگان باز می‌کنند.

متوجه‌ی بازنگری در رفتار خویش سازند.ازاین‌رو، بحث درباره ارتباط میان گناهانی مانند برآخواری، اختلاس ، رشوه ، بی‌جایی و پدیده‌ی چون خشکسالی، تنها زمانی معنا دارد که در کنار علل طبیعی، به بُعد معنوی و اخلاقی نیز توجه شود. با عنایت به این مقدمه، در ادامه در قالب نکاتی، توضیحات بیشتر بیان می‌شود.

علل معنوی مؤثر در پیدایش مصیبت‌ها

از نقطه نظر اسلام، علل و عوامل متنوعی در پیدایش شرور و مصیبت‌ها نقش دارند که از یک نظر می‌توان آنها را به دو قسم مادی و معنوی تقسیم کرد.

علل و عوامل معنوی مؤثر نیز بسیار متنوعند و محدود به جنبه تنبیه و عذاب نیستند.

متلازمه‌ای از مصیبت‌هایی که گریبان‌انسان‌ها به‌ویژه انسان‌های مؤمن- را می‌گیرند، کارکرد آزمایشی دارند نه تنبیهی و عذاب.

در این آزمون‌ها اگر کسی صبر مؤمنانه داشته باشد، به مراتب بالاتر از معنویت دست می‌یابد.^(۱)

یکی دیگر از عوامل معنوی مؤثر در زمینه پیدایش بلایا و مصیبت‌ها، گناهانی است که به صورت فردی یا جمعی انجام می‌شود و به دنبالش، گناهکاران در این دنیا به عذاب مبتلا می‌گردند تا دادب و تنبیه نباشد.

در همین راستا، گناه و نافرمانی، جنبه عمومی و جمعی پیدا می‌کند و به دنبالش مجازات نیز همه افراد اجتماع را تحت تأثیر خود قرار دهد.^(۲)

این بلاهای همگانی، زنگ خطری برای کل جامعه است تا به بازنگری در رفتار جمعی خود بپردازد. از این رو

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

حقیقت توکل چیزی جز اطمینان به تقدیر و رضا به قضای الهی نیست؛ در حقیقت مؤمن هرگز از تهدید نمی‌رسد؛ زیرا می‌داند که هر چه را خدا در ام‌الکتاب بر اساس مشیت حکیمانه تقدیر کرده در راستای رحمت و خیر رسانی به انسان است؛ بنابراین، هر چه «قضا» شد و بر انسان وارد آید، خیر مطلق و محض است زیرا چه پیروز شود یا شهید گردد، هر دو برایش خیر است.

امکان تغییر است، این امکان از دست نرود؛ زیرا اصولاً مؤمنان هرگز آغاز هیچ جنگی نیستند، بلکه همواره در مقام دفاع اقدام می‌کنند. لذا تلاش نخست آنان ایجاد صلح است مگر آنکه تجاویز به مستضعفان و مظلومان انجام شود که در آن صورت در کنار مظلوم و مستضعف علیه ظالم و مستکبر قیام کرده و جهاد می‌کنند. (قرآن، آیات ۲۸ تا ۲۵؛ نساء، آیه ۷۵) بنابراین، گاه مؤمنان در پاسخ تهدید، روش تسامح و مدارا را در پیش می‌گیرند تا امکان صلح و دوستی فراهم آید ؛ بلکه حتی گاه مؤمنان با صبر خویش بدی و زشتی اعمال دیگران را با حسنات و نیکی دفع می‌کنند تا امکان تبدیل دشمن به دوست صمیمی فراهم شود. (فصلت، آیات ۳۴ و ۳۵)

اما باید توجه داشت که این امر دائمی نیست، بلکه تا زمانی است که احتمال تغییر و تبدیل باشد؛ و این درباره دشمنان است که کفر و نفاقشان سازنده نشده باشد؛ اما مستکبران و ظالمانی که آزموده شده و شاکله آنان شناخته شده باشد، نمی‌توان از چنین روشی بهره گرفت.



تهدیدهای دشمنان شامل تهدید به اخراج و آوارگی، تبعید، شکنجه و سنگسار شدن، اعدام و سوزانده شدن، طرد اجتماعی و مانند آنها می‌شود؛ اما مؤمنان هرگز تحت تأثیر تهدیدها قرار نمی‌گیرند و از حق و حقیقت عقب‌نشینی نمی‌کنند؛ زیرا می‌دانند که اگر عقب‌نشینی کنند غضب خدا را به جان خریده‌اند.

از همین رو تبری نسبت به آنان وارد شده و پیامبران این گونه عمل می‌کردند(ممتحنه،آیات ۴ تا ۶) تهدیدهای دشمنان شامل تهدید به: اخراج و آوارگی(اعراف، آیات ۸۰ تا ۸۲)، تبعید(اعراف، آیات ۸۵ و ۸۸)، شکنجه و سنگسار شدن(نمر،آیه ۴۶)، اعدام و سوزانده شدن(عنکبوت، آیه ۲۴)، طرد اجتماعی(مریم، آیه ۴۶) و مانند آنها می‌شود؛ اما مؤمنان هرگز تحت تأثیر تهدیدها قرار نمی‌گیرند و از حق و حقیقت عقب نشینی نمی‌کنند؛ زیرا می‌دانند که اگر عقب نشینی کنند غضب خدا را به جان خریده‌اند. (نساء، آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸؛ هود، آیات ۱۱۲ و ۱۱۳؛ آل عمران، آیات ۲۸ و ۲۹ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۷۳)

از نظر آموزه های قرآن، تنها بزدلان از مسلمانان سست ایمان هستند که از تهدیدهای دشمنانی می‌هراسند؛ زیرا مؤمن به سبب آنکه خود را متصل به خدا و مأمور به انجام تکلیف و وظیفه می‌دانند، به طور طبیعی تنها خدا را مد نظر قرار می‌دهند و از هیچ کسسی و هیچ چیزی ترسی ندارند و می‌دانند که هر چند دشمن در واقعیت خارجی و بیرونی، از نظر ظاهری از قدرت و توان بسیار بالایی برخوردار است، اما بر این باورند که قدرت و توان

که در گذشته شان سابقه نداشت. هیچ‌گاه در کیل و وزن کم‌فروشی نکردند، مگر آنکه به خشکسالی، سختی معیشت و ستم حکام گرفتار شدند. هیچ‌گاه زکات ندادند، مگر آنکه از بارش آسمان محروم شدند و اگر نبودن چرخ‌پایان، اصلاً ناگهانی بود. این پیامدا، برطایع پیامان خدا و پیامبرش را نشنستند، مگر آنکه خدا دشمنشان را بر آنان مسلط ساخت و بخشی از آنچه در دست داشتند را گرفت.

هیچ‌گاه به غیر آنچه خدا نازل کرده حکم نکردند، مگر آنکه خداوند نیروی آنان را به جان هم انداخت (و گرفتار تفرقه و درگیری داخلی شدند).^(۳)

«وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ إِذَا ظَهَرَ لِلرَّأْيَانِ بَعْدُ يَكْذُرُ مَوْتَ الْفَجَاءَةِ...»؛ در کتاب رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنین یافتیم: هر گاه پس از من زنا آشکار شود، مرگ‌های ناگهانی زیاد می‌شود و هر گاه در کیل و وزن کم‌فروشی

روایات اسلامی تصریح می‌کنند که برخی گناهان، وقتی به صورت آشکار و فراگیر در جامعه رواج یابند، پیامدهایی اجتماعی و طبیعی به دنبال دارند. از جمله این گناهان، نیرداختن زکات، کم‌فروشی، فحشا و پیمان‌شکنی است که می‌تواند زمینه‌ساز پدیده‌هایی چون خشکسالی، بیماری و مرگ‌های ناگهانی شود. این پیامدها، رابطه‌ای مکانیکی و آنی با گناه ندارند، بلکه در چارچوب سنت‌های الهی و متناسب با شرایط و سبط فراگیری گناه رخ می‌دهند.

کند، خداوند آنان را به خشکسالی و کمبود (نعمت‌ها) دچار می‌سازد و هر گاه زکات نپزدارند، زمین، برکات خود را از غلات و میوه‌ها و همه معادن بازمی‌گیرد و هر گاه در دآوری‌ها ستم کنند، همگی بر ظلم و تجاوز یاریگر یکدیگر می‌شوند و هر گاه پیمان‌شکنی کنند، خدا دشمنشان را بر آنان مسلط می‌سازد و هر گاه قطع رحم کنند، اموال در دست اشرار قرار می‌گیرد و هر گاه امر به معروف و نهی از منکر ترک نشود و از نیکان اهل بیت من پیروی نکنند، خداوند بدانشان را بر آنان مسلط می‌کند، به‌گونه‌ای که نیکان دعا می‌کنند او از خدا کمک می‌خواهند؛ ولی دعایشان مستجاب نمی‌شود.^(۴)

نتیجه:

مسئله ارتباط میان گناهان و خشکسالی و بلایای طبیعی دیگر، پرسشی پیچیده است که نمی‌توان با پاسخی ساده و یک‌سویه به آن پرداخت. در آموزه‌های اسلامی، بلاهایی همچون خشکسالی، هم علل طبیعی دارند -مانند تغییرات اقلیمی و ضعف مدیریت- و هم می‌توانند آثار وضعی برخی گناهان جمعی باشند. روایات اسلامی تصریح می‌کنند که برخی گناهان، وقتی به صورت

صفحه ۷
شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۴
۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ – شماره ۳۳۹۶۹

چراغ راه

رفع نیاز مردم با این سه کار
«لا یتقسیم قضاء الحوائج الا بئلات، باستصغارها لتعظم، وبا ستکناهما لتنظر، و بتعجیلها لتنهو».

امام علی(ع) فرمود: بر آوردن حاجات مردم کامل نمی‌شود مگر به سه چیز: کوچک شمردن آن تا بزرگ گردد و پنهان داشتن آن تا آشکار شود و تعجیل در آن تا گوارا گردد.^(۱)

حکایت خوبان

اقسام تلاوت‌کننده قرآن

امام صاق(ع) می‌فرماید: «خوندگان قرآن سه گروه‌ند: ۱- عدا‌ی برای نزدیک شدن به سلاطین و زورمندان و برای سلطه یافتن بر مردم این دسته اهل آتش‌اند. ۲- گروهی حروف قرآن را حفظ و حدود آن را ضایع کرده‌اند، این دسته نیز اهل آتشند. ۳- گروهی قرآن می‌خوانند تا زیر پوشش آن قرار گیرند، به محکم و به مثابه آن اعتقاد دارند، فرباش قرآن را به جای آورند، و حال آن‌ را حلال و حرام آن را حرام و در مقابل عمل تسلیم قوانین فرارند. این دسته همان کسانی هستند که دست رحمت الهی آنان را از هر سقوط نجات می‌دهد، و آنان اهل بهشت‌اند و درباره هر که بخوانند حق شفاعت دارند.^(۲)

۱- نهج‌البلاغه صبحی صالح، حکمت ۱۰۱

پرسش و پاسخ

ابعاد و شیوه‌های جنگ نرم(۵)

پرسش:
جنگ نرم در چه ابعاد و گستره‌ای و با چه شیوه‌ها و روش‌هایی در جبهه مقابل به کار گرفته می‌شود؟

پاسخ:

در چهار بخش قبلی پاسخ به این سؤال به ابعاد چهارگانه: ۱- حیطه شناختی، معرفی و اعتقادی ۲- حیطه اخلاقی و اجتماعی ۳- حیطه اقتصادی ۴- حیطه سیاسی و روش‌های حیطه شناختی شامل: ۱- القای شبهه و تردیافتگی ۲- کتمان و تحریف حقائق ۳- ترویج خرافات و باورهای غلط ۴- تأثیر تبلیغات دروغ ۵- غفلت ۶- هم‌نشینی با منحرفان و فلسدان ۷- در شن از مبانی، اصول و آموزه‌های دینی ۸- پیروی از بدعت‌ها و در حیطه اخلاقی و اجتماعی روش‌هایی شامل: ۱- تحقیر و استهزاء ۲- ترویج فساد اخلاقی ۳- دروغ‌پردازی و افترا سازی ۴- فریب و نیرنگ ۵- سواستفاده از مقدسات ۶- نفاق و چند چهره‌گی ۷- ترزین اعمال و در حیطه اقتصادی روش‌هایی شامل: ۱- ترویج تجمل گرایی و رفاهزدگی ۲- تطمع‌با رشوه و جاذبه‌های نفسانی ۳- دامن زدن به فساد اقتصادی پرداختیم. ۴- در ادامه دربارهٔ مطلب را بی می‌گیریم:

۱- حیطه سیاسی
از دیگر شیوه‌های کاربردی و کلیدی دشمنان اسلام در جنگ نرم سیاسی روش‌های زیر است که اهداف شوم خود را از طریق آنها بی می‌گیرند:

۱- القای یأس و ترس
ناامیدی که از دو واژه قرآنی «یأس» و «فوت» گرفته شده به معنای نومیدی از رحمت خدا قطع امید نسبت به آینده‌ای روشن است. ناامیدی عامل از خود بیگانگی و بحران هویت انسان است. بدترین حالتی که از اثر یأس پدید می‌آید، بدگمانی به خداست که همه آرمان‌ها و ارزش‌های او را را بر باد می‌دهد. از این رو قرآن کریم را ناامیدی، زانه به مؤمنان بلکه فقط به کافران نسبت می‌دهد.
«لا یأس من روح‌الله الا القوم الکافرون» تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند. (یوسف- ۸۷)
ترس هم بر سه نوع است: ۱- ترس غریزی و طبیعی که در حقیقت نوعی واکنش طبیعی به محیط خود است. این نوع ترس ریشه در طبیعت نیست. ۲- ترس معنوی و عقلانی حالتی است که از علم و آگاهی و تقوای فرد ناشی و در آیت و روایات از آن به خوف و خشیت تعبیر می‌شود. این نوع ترس آثار و برکات زیادی دارد و پسندیده و سفارش شده است. ۳- ترس معنوم که در آموزه‌های دینی از آن به «جبن» تعبیر شده است. این نوع ترس ریشه در ضعف نفس آدمی دارد و بسیار ناپسند است. القای این نوع ترس از شیوه‌های دشمنان در جنگ نرم است. بنابراین شیاطین و دشمنان اسلام با همین القای یأس و ترس در جنگ نرم سیاسی، می‌کشوند ایم مردم را به نومیدی بدل کنند و آنان را از حرکت و اهداف بلندشان بازدارند. قرآن کریم در آیت بسیاری به استفاده شیاطین، کفار و منافقان از شیوه القای یأس و ترس استناد کرده و می‌فرماید: «همانا شیطان است که پیروان خود را (با سخنان بی اساس) می‌ترساند. پس از آنها ترسید. از من ترسید اگر می‌خواهید(آل عمران-۱۷۵)
این ده دیگری می‌فرماید: «آن مؤمنان که چون مردمی (منافقان و کافران) به آنها گفتند: «شکر انبوهی از مشرکان و پیروان اوسلیمان) علیه شما فرموده‌ام بدانند، از آنان ترسید» پس بر ایمان‌شان بیفزود.(آل عمران-۱۷۳)

۲- هنجارشکنی و نسخ ارزش‌های دینی و ملی

طبق تعریف جامعه‌شناسان، هنجار قاعده‌ای است که به هدایت الگوی رفتار اجتماعی می‌پردازد. هنجار‌ها دربرگیرنده قوانین، اصول و ارزش‌های اخلاقی، عادات و رسوم و قواعد رفتار، موبدانه است که در جامعه، نظم اجتماعی را برعهده دارد. هنجار‌ها از نظام ارزش‌ها جدا نشدنی است، به ویژه در جامعه دینی که حاکمیت آن بر ارزش‌های دینی بنیان نهاده شده است. فرو رختن ارزش‌ها، ناشی از نه‌اجم پنهان دشمن در جنگ نرم است که با هنجارشکنی و بی اعتبار ساختن ارزش‌ها می‌کوشد. جامعه دینی را بی‌هویت و ضلالت می‌سازد و از راه هموارکننده مسیر سقوط جامعه هدف و سیطره دشمن است، جایگزین کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (تأخیر و جابه‌جای کردن ماه‌های حرام) فقط زیادت در کفر (کفار) و مشرکان است. با این گمراه می‌شوند. کافران یک سال آن را حلال و سال دیگر آن را حرام می‌کنند، تا با مقادرمابهایی که خداوند تحریم کرده مابهاتم شود؛ و عذاب چهار ماه، به پندارشان تکمیل گردد، و در این ترتیب آنچه از حرام خدا کرده حلال بشمرند اعمال زشتشان در نظرشان زینت داده شده و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند(توبه- ۳۷)
با متلازش تساهل و تسامح در دین که به محتوای دین آسان و ساده منطبق با فطرت انسان‌ها اشاره دارد، از نسخ کرده و به مذهب سازش با هر کس یا پیرو هر مکتبی معنا می‌کنند و در واقع این معنا تبدیل از تساهل و تسامح در دین به ضلالت و ضلالت و نسخ ارزش‌های دینی است که مایه هلاکت و نابودی مسلمانان می‌شود.

۳- فتنه‌گری و برپایی آشوب
فتنه به معنای قرا‌شدن و گاختن طلاد از آتش است تا خالص و خوب از بد آشکار شود(معارف رافعب، ذیل ماده فتن) واژه فتنه و مشتقات آن در قرآن معید به معنای شرک و بت‌پرستی، سد راه ایمان آوردنگان (فصل- ۳۹) افعال و گمراهی (مائد- ۴۱) و فریب‌داندن (اعراف- ۲۷) آمده است- ولی ظاهران این است که تمام این معانی به همان ریشه اصلی بازمی‌گردد. پس فتنه فتنه ایجاد بیعت است که مهم‌ترین حق یا باطل و جور یا عدل و خدا با طاغوت، به گونه‌ای که نتوان حق را به آسانی بارشناخت، و بیان دیگر یعنی گشودن یک جبهه فرعی برای غافل ساختن مردم از جبهه حق و دشمن اصلی دشمنان اسلام فتنه‌گری را شیوه‌ای مناسب برای تفرقه انداختن اسلامی و همچنین شهفیه‌افرازی، تریدیفارویی یاقتضه که مهم‌ترین پیامد آن را می‌توان ایجاد بحران خفایتی امتزاج حق و باطل دانست که با این شیوه مردم را در تشخیص حق و باطل به اشتباه می‌کشاند. زیرا اگر حق و باطل به تنهایی و عریان عرضه نشوند، مردم آنها را به درستی می‌شناسند و به خطا نمی‌روند.(نهج‌البلاغه- خطبه ۵۰)

۱- الفقه(د)
۲- الفقه(د)
۳- الفقه(د)

سلوک عارفانه

انسان، الفطره گرایش به خدا دارد
اعتقاد به خدا حکم سلامت را دارد و گرایش مادی حکم بیماری را (دارد)، هیچ‌گاه از سر سلامت نباید پرسید، زیرا سلامت بر طبق مسیر و جریان طبیعی نظام خلقت است، اما اگر دیدیم فردی یا جمعیتی بیمارند، آنجا باید پرسید چرا این افراد بیمار شدند؟ چه موجباتی سبب بیماری آنها شده است؟ ... از نظر ما گرایش دینی نیازی به پرسش ندارد. آن کشش فطرت است، بلکه باید کاوش کرد که چرا بستر گرایش به بی‌دینی پیدا کرد؟^(۱)

۱- آیه‌ای تفکر دینی -ی و علل دین گریزی، شهید مرتضی مطهری(ره)، پیش‌سخن، ج ۲، ۵، ۹۲